



Institute for Research
Planning in Higher Education

Higher Education Letter

Print ISSN: 2008-4617

Online ISSN: 2783-2139



National Organization for
Educational Testing

Student's Academic Freedom in Iran's Academic Environment

Keyvan Bolandhematan¹, Avin Kariminezhad², Hazhir Fatahi³

1. Associate Professor, Department of Philosophy, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran; (Corresponding Author), Email: k.bolandhematan@gmail.com

2 Master of Educational Management, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran, Email: avinkariminejad098@gmail.com

3. Master of Philosophy of Education, Kharazmi University, Tehran, Iran, Email: hazhirfatahi99@gmail.com

Article Info

ABSTRACT

Article Type:

Research Article

Received

2025.06.26

Received in

revised form:

2025.10.23

Accepted:

2025.11.28

Published online:

2025.12.22

Objective: The purpose of this research is to understand the status of students' freedom and explain the concept of the students' academic freedom in the Iranian university structure.

Methods: This research is qualitative and focuses on the lived experiences of students at the University of Kurdistan, exploring the concept of students' academic freedom. Given the lack of previous research in this area, a data-based approach with Charms' structuralist approach was used. Participants included 20 students from all three academic levels.

Results: The findings indicate significant challenges to academic freedom for students in Iran. The main codes identified are: freedom of speech (freedom to choose, express, and analyze curricular and extracurricular materials, the right to criticize and discuss freely); freedom of communication (freedom to communicate with students, professors, and administrators); academic justice (fairness in education, research, and access to facilities); interventionist atmosphere (political, cultural, social, economic, and personal constraints); institutionalization (individual and collective strategies to strengthen academic freedom).

Conclusion: Based on the findings, the growth and dynamism of universities in Iran requires strengthening institutional will to support students' academic freedom and creating infrastructure that can provide a more appropriate academic environment based on the demands and needs of university members.

Keywords: *Academic freedom, database, freedom of speech, freedom of communication, academic space, interventionist space*

Cite this article: Bolandhematan, Keyvan; Kariminezhad, Avin; Fatahi, Hazhir (2025). Student's Academic Freedom in Iran's Academic Environment. *Higher Education Letter*, 18(72) 7-35. DOI: 10.22034/hel.2025.2047991.2027



© The Author(s).

Publisher: Institute for Research & Planning in Higher Education & National Organization of Educational Testing (NOET)



مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

نامه آموزش عالی



سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

شاپا چاپی: ۴۶۱۷-۲۰۰۸ شاپا الکترونیکی: ۲۱۳۹-۲۷۸۳

آزادی آکادمیک دانشجویی در فضای دانشگاهی ایران

کیوان بلندهمتان^۱، آوین کریمی نژاد^۲، هژیر فتاحی^۳

۱. دانشیار گروه فلسفه دانشگاه کردستان، سنندج، ایران؛ (نویسنده مسئول) رایانامه: k.bolandhematan@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. رایانامه: avinkariminejad098@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد فلسفه تربیت دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. رایانامه: hazhifatahi99@gmail.com

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۵

اصلاح: ۱۴۰۴/۰۸/۰۱

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۷

انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

هدف: هدف این پژوهش، شناخت وضعیت آزادی دانشجویان و تبیین مفهوم آزادی آکادمیک آنان در ساختار دانشگاهی ایران است.

روش پژوهش: این پژوهش از نوع کیفی است و با تمرکز بر تجارب زیسته دانشجویان دانشگاه کردستان، به واکاوی مفهوم آزادی آکادمیک دانشجویان می‌پردازد؛ با توجه به کمبود پژوهش‌های پیشین در این حوزه، از رویکرد داده‌بنیاد با رهیافت ساختارگراییانه چارمز استفاده شد. مشارکت‌کنندگان شامل ۲۰ دانشجو از هر سه مقطع دانشگاهی بودند.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که آزادی آکادمیک دانشجویان در ایران با چالش‌های جدی مواجه است. کدهای اصلی شناسایی شده عبارت‌اند از: آزادی گفتار (آزادی در انتخاب، بیان و تحلیل مطالب درسی و غیردرسی، حق نقد و بحث آزاد)؛ آزادی ارتباطات (آزادی در برقراری ارتباط با دانشجویان، استادان و مدیران)؛ عدالت آکادمیک (عدالت در آموزش، پژوهش و دسترسی به امکانات)؛ فضای مداخله‌گرانه (محدودیت‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و شخصی)؛ نهادینه‌سازی (راهبردهای فردی و جمعی برای تقویت آزادی آکادمیک).

نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌ها، رشد و پویایی دانشگاه در ایران مستلزم تقویت اراده نهادی برای حمایت از آزادی آکادمیک دانشجویان و ایجاد زیرساخت‌هایی است که بتواند فضای دانشگاهی مناسب‌تری را بر پایه خواسته‌ها و نیازهای اعضای دانشگاه فراهم آورد.

کلیدواژه‌ها: آزادی آکادمیک، داده‌بنیاد، آزادی گفتار، آزادی ارتباط، فضای آکادمیک، فضای مداخله‌گراییانه

استناد: بلندهمتان، کیوان؛ کریمی نژاد، آوین؛ فتاحی، هژیر (۱۴۰۴). آزادی آکادمیک دانشجویی در فضای دانشگاهی ایران. نامه آموزش عالی، ۱۸(۷۲)، ۷-۳۵. DOI: 10.22034/hel.2025.2047991.2027



ناشر: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی و سازمان سنجش آموزش کشور
حق مؤلف © نویسنده‌گان.

مقدمه

در مرکز معنای دانشگاه، مفهوم حقیقت جای دارد؛ یعنی ارائه تصویری درست از آنچه در واقعیت هست و آنچه باید باشد. اصل بنیادین هر دانشگاه، انتقال و کشف حقایق است. برای تحقق این هدف، هنجارهایی وجود دارد که استادان بر اساس آنها عمل می‌کنند. پرسش کلیدی این است که این هنجارها چه هستند، وظیفه استادان در برابر حقیقت چیست، و نقش آنان در قبال جامعه چگونه تعریف می‌شود. همین نکات، تصویری کلی از دانشگاه به دست می‌دهد: نهادی که در پی دسترسی به والاترین حقایق، ارائه بهترین تحلیل‌ها، و اصلاحات منتقدانه در باب حقایق مکشوف است (شیلز^۱، ۲۰۱۲). چنین تصویری را نمی‌توان با فرمان‌بری و پذیرش دستورات از بالا - در تعیین اینکه چه حقیقت است و چه نیست - به دست آورد. دانشگاه برای دستیابی به حقیقت نیازمند آزادی است. نگاهی به تاریخ دانشگاه این موضوع را روشن می‌سازد (بتی^۲، ۱۹۸۷). تاریخ دانشگاه در آغاز راه خود در اروپا با کلیسا پیوند داشت (هفستتر^۳، ۲۰۰۱). نخستین دانشگاه جهان، دانشگاه بولونیا^۴ در سال ۱۰۸۸ میلادی بنیاد نهاده شد؛ این دانشگاه در مسیر تکامل خود بسیاری معضلات را از سر گذراند که مهم‌ترین آنها مبارزه با کلیسا برای دستیابی به آزادی بود. بولونیا نخستین دانشگاهی بود که آزادی بیان^۵ و آزادی آکادمیک را جز به‌عنوان بنیان خود پذیرفت (بولونیا، ۲۰۲۴). این ویژگی را در تاریخ دانشگاه‌های کهن دیگر مانند آکسفورد و کمبریج نیز می‌توان مشاهده کرد. بدین‌سان، دانشگاه از نخستین روزهای پیدایش با چالش آزادی روبه‌رو بوده است؛ آزادی در کشف، بیان و انتقال حقیقت. به دیگر سخن، آزادی از همان آغاز تولد دانشگاه یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های آن بوده است. این روند و مبارزه‌ها ادامه یافت؛ با این حال، در دنیای امروز چالشی تازه اما مرتبط با آزادی دانشگاه پدید آمده است: دانشگاه به میدان نبرد گرایش‌های گوناگون سیاسی برای اثبات برتری خود تبدیل شده است (پیترز و همکاران^۶، ۲۰۱۹). این امر چالشی جدی برای آزادی آکادمیک در دانشگاه‌ها ایجاد کرده است (اولکسیینکو و جکسون^۷، ۲۰۲۰). پیش‌تر، پیچیدگی‌ها و نبردهای درون‌دانشگاهی هرگز چنین گسترده نبوده است (گیبز^۸، ۲۰۱۹).

چنان‌که بیان شد، آزادی آکادمیک بنیاد دانشگاه است و اساس این آزادی همان آزادی بیان در گستره کلی آن است. باور بر آن است که دانشگاهیان در کشف، بیان و انتقال حقایق باید آزادی داشته باشند؛ و این همان مفهوم آزادی بیان در دانشگاه است. محتوای این سند بر (ECHR) یکی از قابل‌تأمل‌ترین اسناد در باب آزادی بیان، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است. محتوای این سند بر این نکته تأکید دارد که افراد باید بتوانند اندیشه

1. Shils
2. Bahti
3. Hofstetter
4. University of Bologna
5. freedom of speech
6. Peters et al.
7. Oleksiyenko & Jackson
8. Gibbs

و سخن خود را بدون دخالت خارجی بیان کنند، مشروط بر آنکه به دیگری آسیب نرسانند و موجب دشمنی نشوند (زاهدی و شریف‌زاده، ۱۴۰۰). واژه آزادی بیان ریشه‌ای یونانی دارد که پرازیا^۱ است. این مفهوم حقی بود که شهروندان آتن از آن برخوردار بودند. معنای آن، مجالی برای سخن گفتن، آزاد بودن برای واکنش نشان دادن و این کارها را بدون ترس انجام دادن است (اولکسینکو و جکسون، ۲۰۲۰). مفهوم آزادی بیان از همان ابتدا با دانشگاه‌ها، - چه دانشگاه‌های باستان و چه دانشگاه‌های مدرن - در ارتباطی تنگاتنگ بوده و همواره هردو مورد هجوم واقع شده‌اند (ریورز و تراون مولر^۲، ۲۰۲۰). دانشگاه نهادی است که زمینه را برای آزادی بیان و طرح دیدگاه‌های متفاوت سیاسی فراهم می‌آورد (بیبر^۳، ۲۰۱۹).

چنان که پیداست مفهوم آزادی بیان و آزادی آکادمیک درون مفهوم کلی آزادی قرار دارد و با تعریف این دو می‌توان تصویری روشن از معنای آزادی در بستر دانشگاه به دست داد. در کنار این دو، مفهوم دیگری نیز از بنیادهای ایده دانشگاه است که با آزادی آکادمیک ارتباط نزدیک دارد، اما هم‌معنی آن نیست؛ استقلال دانشگاهی. در حالی که در فرهنگ و جامعه، مفاهیم «استقلال دانشگاهی» و «آزادی دانشگاهی» گاه مترادف به کار می‌روند. در واقع این واژه‌ها اصطلاحات سیاسی هستند. استقلال به معنای عدم وابستگی به هر شخص، مقام یا حکومت خارجی است؛ اما آزادی به معنای نبود عوامل محدودکننده داخلی و خارجی در فعالیت‌های دانشگاهی است. استقلال دانشگاهی یعنی دانشگاه در انجام امور خود از دخالت دستگاه‌های دولتی مصون باشد و تمامی امور را توسط نهادهای داخلی اداره کند (جاسپرز^۴، ۱۹۵۹). با این حال، استقلال دانشگاهی به معنای آزادی مطلق و اختیار بی‌قید و شرط استادان و دانشجویان نیست. آزادی آکادمیک بیشتر در حوزه‌های آموزش و پژوهش تعریف می‌شود؛ بدین معنا که دانشگاهیان در انتخاب شیوه‌های آموزشی و بیان محتوای درسی آزاد باشند و تحت فشار قرار نگیرند، همچنین در گزینش موضوعات پژوهشی محدود نباشند و پس از انتشار نتایج پژوهش نیز مورد تعقیب واقع نشوند (آیسنبرگ^۵، ۱۹۸۷؛ فین^۶، ۲۰۲۰).

با درک مفهوم آزادی و آزادی آکادمیک در میان دانشگاهیان و همچنین با توجه به تجربه دیگر جوامع، کشورهایی که در حال رشد هستند نیز می‌توانند به جایگاه برخوردار از آزادی آکادمیک دست یابند (عنایت، ۱۳۴۶). دستیابی به آزادی آکادمیک نه تنها خدمتی برای دانشگاه به‌عنوان نهاد اصلی آموزش عالی است، بلکه برای دیگر نهادهای آموزشی نیز سودمند خواهد بود (سواپسا و سالیوان^۷، ۲۰۲۲). آنچه در این میان ضروری به نظر می‌رسد، فهم برداشت خود دانشگاهیان - استادان و دانشجویان - از مفهوم آزادی آکادمیک و تجربه زیسته آنان از بود یا نبود این مفهوم در فضای دانشگاهی است.

1. Parrhesia
2. Revers & Traunmüller
3. Bear
4. Jaspers
5. Eisenberg
6. Finn
7. Suissa & Sullivan

مسئله پژوهش

در ارتباط با آزادی آکادمیک استادان کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری نوشته شده است (کاران، ۲۰۰۷)، اما آنچه کمتر مورد توجه قرار گرفته، آزادی آکادمیک دانشجویان است. این امر نشان می‌دهد که دانشجویان از حق عدالت آکادمیک در دانشگاه - که باید برابر با دیگر دانشگاهیان باشد - برخوردار نیستند. عدالت، ارزشی ضروری و بنیادی و برای هر دانشگاه است، اما در حوزه دانشجویان کمتر بررسی شده است (استول^۲، ۲۰۰۴). بخش مهمی از عدالت آکادمیک همان حق برخورداری از آزادی آکادمیک است؛ حتی که دست‌کم در عرصه پژوهش کمتر به آن پرداخته شده است. برای نمونه کانراد راسل^۳ در کتاب «آزادی آکادمیک» (۱۹۹۳) هیچ‌گونه اشاره‌ای به دانشجویان نکرده است (مک‌فارلن^۴، ۲۰۱۷). البته این چالش تا اندازه‌ای در سنت هومبولتی حل شده است؛ چراکه در این سنت آنچه اهمیت دارد پیگیری حقیقت و پژوهش است و در این مسیر، استاد و دانشجو هر دو به‌عنوان اعضای همیشگی دانشگاه قلمداد می‌شوند (کاران، ۲۰۰۹). بعدها برخی به حق آزادی آکادمیک دانشجویان اشاره کرده‌اند. برای مثال گفته‌اند که استاد گرچه دارای آزادی بیان است و می‌تواند در هر مسئله‌ای که می‌خواهد سخن بگوید و کار کند، اما باید دانشجویان را همچون «دانشجو» ببیند و نه مانند یک «شنونده» در بند^۵. استاد همچنین باید به درک دانشجو از آموزش خود اشراف داشته باشد؛ زیرا وظیفه اصلی او نه در قبال نهاد دانشگاه است یا نهادهای آموزش عالی، بلکه در کار مستقیم با دانشجو تعریف می‌شود (آرتور و بوهن^۶، ۲۰۰۵). نادیده گرفتن آزادی آکادمیک دانشجویان علل گوناگونی دارد که از جمله می‌توان به قوانین رسمی کشورها درباره دانشگاه اشاره کرد. این بی‌توجهی قانونی به مفهوم آزادی آکادمیک خود معلول عواملی است؛ برای مثال می‌توان به این دو مورد اشاره کرد: ۱- گاه قوانین کشورها در باب دانشگاه، دانشجو را صرفاً مشتری می‌پندارند (مانینی^۷، ۱۹۶۳)؛ ۲- گاه قانون‌گذاران نگاه ابزاری به دانشگاه دارند و دانشجویان را به دلیل مشتری مدرک پنداشتن، دانشگاهی نمی‌دانند یا دست‌کم اعضایی کم‌اهمیت‌تر قلمداد می‌کنند (مک‌فارلن، ۲۰۱۷). این رویکرد نه سازنده است و نه آینده‌نگرانه؛ بلکه مانعی جدی در مسیر رشد دانشگاه است (شکر^۸، ۲۰۱۰). در این میان، باور رایج آن است که دانشجویان کارشناسی چندان متعهد به پژوهشگری^۹ نیستند و کمتر پایبند به کارهای دانشگاهی هستند؛ بنابراین، نیازی به آزادی آکادمیک ندارند یا دست‌کم کمتر بدان نیاز دارند؛ چنین دیدگاه از اهمیت جایگاه دانشجویان کاسته است. با این همه، گرچه مبنای آزادی آکادمیک استادان هستند؛ اما استاد باید از طریق آزادی خود برای آزادی دانشجو بکوشد و آن را تقویت کند (مک‌فارلن، ۲۰۱۷). استادان می‌توانند با

1. Karran
2. Stowell
3. Conrad Russell
4. Macfarlane
5. captive audience
6. Arthur & Bohin
7. Monypenny
8. Schrecker
9. scholarship

فراهم آوردن ایده‌های گوناگون در انتخاب راه و شیوه خود به آنان کمک کنند (همان، ۲۰۱۲). در این راستا، آنچه لازم است کنار نهادن انگاره دوگانگی «توانمند» و «ناتوان» است؛ زیرا به‌طور سنتی دانشجو در برابر استاد از قدرت کمتری برخوردار است (جکسون^۱، ۲۰۱۵؛ مک‌فارلن، ۲۰۱۷). چنین نظام آموزشی از دیدگاه کانت آزادانه نیست، گرچه باید باشد؛ آموزش است که دانشجویان را به سوی اجماع می‌کشاند، آنان را با بنیادهای اخلاقی و فیزیکی آشنا می‌کند و سپس پذیرش قراردادهای اجتماعی را ممکن می‌سازد (جکسون، ۲۰۰۷). کار استاد یاری رساندن به دانشجو در مسیر دانشگاهی اوست؛ اما با توجه به محدودیت‌های نهادهای آموزش عالی، پرسش مهم این است که دانشجو چگونه می‌تواند هم خود باشد و هم تا اندازه‌ای تحت کنترل فردی دیگر قرار گیرد؟ (جکسون، ۲۰۲۰) برخی چون ماکسول و رایشنباخ^۲ (۲۰۰۶) به این نکته پرداخته‌اند و دو شیوه آموزش خودفرمانگر و کنترلگر را مطرح کرده‌اند. در نوع نخست، آنچه اهمیت دارد گوهر دانشجو است؛ اما در نوع دوم، دانشجو گویی چیزی است که می‌توان با دستکاری آن را دگرگون ساخت. در آزادی آکادمیک دانشجویان این نکته مهم است که بخش مهمی از این آزادی در رهایی و دست کشیدن از بار آوردن آنان است (پاولا^۳، ۲۰۰۸).

باید یادآور شد که آزادی آکادمیک دانشجویی به معنای اتخاذ رویکردی منفعلانه در قبال دانشجویان نیست؛ بلکه به معنای برگزیدن مسیری فعالانه است که در آن استاد و دانشگاه در پی افزایش توانایی‌های دانشجویان هستند. این رویکرد را می‌توان مؤثرترین راه برای تأمین آزادی آکادمیک دانشجویان دانست. برای تحقق این هدف، از یک سو افزایش سطح تحصیلات مهم است؛ امری که با هم‌افزایی بخش سیاسی و اراده دانشگاه برای گسترش مشارکت در دانشگاه و کالج، همگانی‌سازی ورود به دانشگاه و نادیده گرفتن محدودیت‌هایی چون دین و طبقه اجتماعی رخ می‌دهد (مک‌فارلن، ۲۰۱۲). از سوی دیگر، بازاندیشی در برنامه‌های درسی دانشگاه ضرورت دارد. آنچه در اینجا مهم است، آن است که برنامه‌های درسی چگونه دانشجو را به‌عنوان اندیشمند خودفرمان تلقی کرده و این رویکرد را تقویت می‌کنند (همان). گرچه برخی گمان می‌کنند چنین رویکردی به رهاسدگی اهداف آکادمیک منجر می‌شود؛ اما نتایج چیز دیگری را نشان می‌دهند. برای مثال، در معنای بنیادین مفهوم «آزادی یادگیری»^۴ آزادی دانشجو به‌گونه‌ای تعریف می‌شود که هیچ محدودیتی برای بازدید و اقامت در نهادهای گوناگون آموزش عالی ندارد؛ هر دوره‌ای را که اراده کند می‌تواند برگزیند و در نهایت چیزی به نام امتحان نهایی وجود نخواهد داشت، بلکه آزمون‌ها به شیوه‌ای دیگر برگزار خواهد شد (جونز^۵، ۱۹۶۰). البته باید دانست که این تنها یک ایده است، اما تا حد زیادی در کشورهای پیشرفته تحقق یافته است (سورساک و سمیت^۶، ۲۰۱۰) در آزادی

1. Jackson
2. Maxwell & Reichenbach
3. Pavela
4. Lernfreiheit
5. Jones
6. Sursack & Smidt

آکادمیک نکته اساسی آن است که دانشجویان در برنامه‌های درسی، دوره‌ها، ساختار دانشگاه و تصمیم‌گیری‌ها دخیل باشند. ازاین‌رو، آنان باید همچون اعضای جامعه دانشگاه دیده شوند، بدون در نظر گرفتن محدودیت‌هایی چون نژاد، دین، ملیت یا رنگ پوست و ... (کاران، ۲۰۰۹).

آزادی آکادمیک یک ایده برجسته است که همان‌گونه که هادسون و ویلیامز^۱ (۲۰۱۶) یادآور شده‌اند از راه اجرای آن در کلاس درس، واکاوی در مجله‌های آکادمیک، و تحقق آن در زندگی دانشگاهی شکوفای می‌شود. هرچه بیشتر به این مفهوم پرداخته شود، پیشرفت آزادی آکادمیک نیز بیشتر خواهد شد. با این حال، بخش آزادی آکادمیک دانشجویی چندان مورد توجه قرار نگرفته است. لازم است نگاه دانشجویان به این مفهوم / حق کاویده شده و با توجه به برداشت آنان و تجربه زیسته آنان در دوران تحصیل به فهمی بهتر از آزادی آکادمیک از منظر دانشجویان دست یابیم. ازاین‌رو، هدف این پژوهش بررسی مفهوم آزادی آکادمیک دانشجویان از نگاه خود آنان است. همان‌گونه که بیان شد در رویکرد سنتی بیشتر به آزادی آکادمیک استادان توجه شده و کمتر به دانشجویان پرداخته‌اند؛ و این خود چالش‌آفرین شده است. در این پژوهش تلاش شده است مفهوم آزادی آکادمیک در نگاه دانشجویان بررسی شود، دلایل آنان مبنی بر نبود آزادی آکادمیک دانشجویی روشن گردد و دغدغه‌های آنان در این زمینه بیان شود. برای دستیابی به این هدف، از طریق گفتگو با دانشجویان دانشگاه به پاسخ پرسش‌های زیر پرداخته شده است:

- دانشجویان دانشگاه کردستان بر پایه تجارب خود از فضای دانشگاهی، آزادی آکادمیک را واجد چه مؤلفه‌هایی می‌دانند؟

- دانشجویان چه امکاناتی را برای تحقق نسبی آزادی آکادمیک در اختیار دارند؟

- به باور دانشجویان، چه چالش‌هایی در فرایند تحقق آزادی آکادمیک دانشجویی نقش دارند؟

- دانشجویان در برابر مشکلات و چالش‌های آزادی آکادمیک چه راهبردهایی دارند؟

مبانی نظری

گرچه آزادی آکادمیک با آزادی بیان ارتباطی تنگاتنگ دارد اما این دوازدهم جدا هستند. مهم‌ترین تمایز آن است که آزادی آکادمیک ویژه دانشگاهیان است (هادسن و ویلیامز، ۲۰۱۶). از سوی دیگر، پرورش دادن تفکری نقادانه و آزادانه نیز از کارکردهای محیط آکادمیک است (باقری و همکاران، ۱۳۹۶). آزادی آکادمیک یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم دانشگاه است؛ مفهومی که بر اساس آن دانشگاهیان فشارهای درونی و بیرونی برای ادامه فعالیت‌های علمی خود در امان می‌مانند (محمدزاده و همکاران، ۱۴۰۰). با این حال، گرچه این مفهوم ساده و بدیهی به نظر می‌رسد؛ در عمل چنین نیست (اسکات^۲، ۲۰۱۵). آزادی آکادمیک غالباً از طرف بازار، حکومت، روندهای اجرایی دانشگاه، انجمن‌های دانشجویی و گروه‌های انضباطی تهدید می‌شود؛ و همین امر تا حدی

1. Hudson & Williams
2. Scott

تصور «پیراینده بودن»^۱ بودن این مفهوم را تقویت کرده است (هادسن و ویلیامز، ۲۰۱۶). کانت در پاسخ به پرسش «روشنگری چیست» از فردی سخن گفته بود که در گفتار و برهان آوری آزاد است؛ و همین اندیشه چراغ راهی شد برای شکل‌گیری ایده آلمانی دانشگاه (جکسون، ۲۰۲۰؛ فوکس^۲، ۱۹۶۳). بر همین اساس، ویلهلم فون هومبولت^۳ دانشگاه برلین را بنیان نهاد؛ دانشگاهی که هدف آن نه صرفاً آموزش حرفه‌های خاص برای گذران زندگی، بلکه پرورش اندیشه‌ورزی بود. در این الگو، تحقیق جایگاهی ویژه یافت و با تدریس درهم آمیخت تا بازدهی دانشگاه افزایش یابد. همچنین آزادی و استقلال دانشگاه از حکومت - هم‌زمان با حفظ ارتباط با آن - به‌عنوان اصل بنیادین پذیرفته شد (زیممر^۴، ۲۰۱۵). رفته‌رفته این باور شکل گرفت که دانشگاه برای تحقق ایده خود به پیش‌نیازهایی نیاز دارد؛ و یکی از مهم‌ترین آنها آزادی آکادمیک است. دانشگاه در مسیر کشف حقیقت هیچ‌گونه محدودیتی را نمی‌پذیرد و این آزادی را همچون ارزشی بنیادین و حقی مسلم برای فرد دانشگاهی می‌داند؛ این همان معنای آزادی آکادمیک است (جاسپرز، ۱۹۵۹).

آزادی آکادمیک^۵ حالتی است که استاد یا پژوهشگر بدون واژه از آینده شغلی یا فشارهای بیرونی به کار خود بپردازد. در این وضعیت، فرد دانشگاهی آزادانه فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی خود را انتخاب می‌کند و به دلیل شیوه تفکر یا ایدئولوژی‌اش دچار خفقان و مشکلات نمی‌شود. به سخن دیگر، آزادی آکادمیک یعنی آنکه فرد دانشگاهی در تفکر و فعالیت علمی خود - چه در دانشگاه، چه در نظام آموزش عالی، و چه در جامعه - شخصیتی یگانه و آزاد باشد (شیلز، ۲۰۱۲) چنان‌که بیان شد هسته اصلی آزادی دانشگاهی اندیشمندانی هستند که به‌عنوان استاد یا پژوهشگر دیدگاه‌های علمی خود را بدون هیچ مرز و محدودیتی بیان می‌کنند (آندرسکو^۶، ۲۰۰۹).

هدف از برقراری آزادی آکادمیک، حذف موانع و چالش‌های مربوط به علم، قدرت، سیاست، حقیقت و اندیشه است؛ از طریق تمایز قائل شدن میان این مفاهیم و حفظ گوناگونی آنها (اسکات^۷، ۲۰۱۵). به زبان راجفورد^۸ (۲۰۰۳) هدف اصلی آزادی آکادمیک آن است که دانشگاه از هر عاملی - از جمله محدودیت‌های مالی، فشارهای اقتصادی یا فشارهای سیاسی - که موجب کج‌روی در محتوای علمی یا نتیجه پژوهش شود، خالی گردد. آزادی آکادمیک یک حق و ارزش بنیادین دانشگاهی است و تحقق آن برای هر دانشگاه مهم‌ترین وظیفه به‌شمار می‌آید؛ زیرا در محیط پژوهشی، تمامی افراد باید با اندیشه آزاد و عقیده‌ای متعلق به خود به سراغ پژوهش بروند، نه آنکه کاری برخلاف دیدگاهشان انجام دهند (آلتباخ^۸، ۲۰۰۱). افراد دانشگاهی زمانی آزادند که اگر سخن آنان بر خلاف نظر گروه یا جامعه باشد، از بیان آن واژه‌ای نداشته باشند و یا دست‌کم مقلد گروه و جامعه نشوند؛ به

1. negative
2. Fuchs
3. Wilhelm Von Humboldt
4. Zimmer
5. academic freedom
6. Andreescu
7. Rochford
8. Altbach

تعبیر نیچه «خود باشند» و این مقام آزادی است (نقیب‌زاده، ۱۳۹۸). جان دیویی ریشه تاریخی آزادی آکادمیک را در تعهدات فلسفی می‌داند و معتقد است روح آزادی آکادمیک یک اصل مهم برای هدایت تمامی جنبه‌های دانشگاهی است. به باور او، آزادی آکادمیک جنبه‌ای از دموکراسی ذهن است. دیویی این آزادی را به‌عنوان یک حق به رسمیت شناخته و هدف آن را ایجاد نظم اجتماعی دموکراتیک قلمداد می‌کند. آزادی آکادمیک به معنای آزادی اعضای جامعه علمی، به‌صورت فردی و جمعی، در پیگیری رشد، توسعه و انتقال دانش از طریق تحقیق، مطالعه، بحث، ارائه اسناد و مدارک، تولید، خلق، تدریس، سخنرانی و نوشتن است (قادری مقدم و همکاران، ۱۴۰۰). حقیقت آن است که بدون آزادی آکادمیک، ایده دانشگاه تحقق نمی‌یابد. اتحادیه دانشگاه و کالج (۲۰۲۲) در بیانیه خود یادآور شده است که یکی از اهداف آموزش خدمت به منافع عمومی از طریق گسترش دانش، ارتقای درک، و پرورش تفکر و بیان انتقادی در استادان و دانشجویان است؛ و سپس پیگیری این مهم در جامعه به طور گسترده‌تر. به باور اتحادیه، آزادی آکادمیک برای دستیابی به این اهداف و در نتیجه برای توسعه یک دموکراسی توانمند، ضروری است.

در نبود آزادی آکادمیک، دانشگاه بنگاه ترویج افکار نظام‌های سیاسی خواهد شد. تاریخ نشان می‌دهد که نظام‌های تمامیت‌خواه، دانشگاه را به‌مانند ابزاری برای افزایش قدرت خود به کار گرفته‌اند؛ نمونه بارز آن دانشگاه‌های آلمان در دوران نازی‌ها است (فوکس، ۱۹۶۳). این تجربه به‌قدری ناخوشایند بود که دانشگاه‌های آلمان وظیفه‌ای برای استادان مقرر کردند که باید محافظه‌کار باشند و از کارهای سیاسی دوری گزینند (استون^۱، ۲۰۱۵). طرف‌داران آزادی آکادمیک بر این باورند که دانشگاه به‌عنوان یک نهاد اجتماعی نباید درگیر بحث‌ها و جنبش‌های سیاسی شود (آلتباخ، ۲۰۰۱). در این دیدگاه، افراد دانشگاهی نباید سیاسی باشند؛ زیرا این امر به آزادی آکادمیک آسیب می‌رساند. با این حال، خود آزادی آکادمیک نوعی آزادی سیاسی است اما آزادی ویژه برای اشخاصی خاص در محیط دانشگاهی (برامویچ^۳، ۲۰۱۵).

پیشینه پژوهش

همان‌گونه که بیان شد، پژوهش‌های بسیاری درباره آزادی آکادمیک استادان وجود دارد که در خلال بحث به تعدادی از آنها اشاره شد. مک‌فارلن (۲۰۲۴) در مصاحبه‌ای با فین، از طریق پرسش‌های باز، کوشیده است فهمی عمیق از آزادی آکادمیک دانشجویان به دست دهد و آزادی آکادمیک دانشجویی را ضرورتی حیاتی برای دانشگاه و ایده دانشگاه بیان کرده است. ریو^۴ (۲۰۲۱) در پژوهشی با تمرکز بر کشورهای دموکراتیک، آزادی آکادمیک و استقلال دانشگاهی را از طریق واکاوی کتابخانه‌ای بررسی کرده و آزادی آکادمیک را نقطه عطفی در تحول جوامع صنعتی دانسته است. به باور او، جوامع برای پاسخ به خواسته‌های اقتصادی و حرفه‌ای نیازمند

1. totalitarian
2. Stone
3. Bromwich
4. Rieu

استقلال بیشتر دانشگاه‌ها هستند تا بتوانند فشارهای متناقض را کاهش دهند و مدیریت کنند. ریو پیشنهاد می‌کند که با ایجاد نهادهای نظارتی برای کار استادان و تدوین قوانین حمایتی از آزادی آکادمیک دانشجویان پاسداری بیشتری از این حق صورت گیرد. پیش‌تر، اوسو-آنسا (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «آزادی آکادمیک، ارتباط و چالش‌های آن برای دانشگاه‌های دولتی امروز در غنا» به بررسی مفهوم آزادی آکادمیک و تعریف انواع آن پرداخته است. او با رویکرد تحلیل کتابخانه‌ای نشان داده که منحصربه‌فرد بودن دانشگاه‌ها در قیاس با سایر مؤسسات ناشی از آزادی آکادمیک است. آگاهی از آزادی آکادمیک توسط کارکنان آموزشی دانشگاه‌ها، استادان را قادر می‌سازد تا با دیدگاه‌های دیگران مدارا کنند و انتقاد را از طریق فرایند بررسی هم‌تایان بپذیرند. پیش‌تر، باشکا^۱ (۲۰۰۹) با بهره‌گیری از پرسشنامه‌ای که ۳۸۴ عضو جامعه دانشگاهی از اقصای مختلف را شامل می‌شد، نشان داد که مدیریت مؤسسات آموزش عالی نقشی چشمگیر در تقویت آزادی علمی ایفا می‌کند. بر این اساس، هرچه مدیریت یک مؤسسه کارآمدتر باشد، سطح آزادی آکادمیک افزایش یافته و کیفیت آموزش نیز ارتقا می‌یابد.

جدای از اهمیت آزادی آکادمیک و نقش آن در بهبود وضعیت دانشگاه‌ها و جوامع، همچنین پژوهش‌هایی در زمینه مؤلفه‌های درونی آزادی آکادمیک و موانع آن انجام شده است. برای نمونه، اتکینسون^۳ (۲۰۰۴) اصول آزادی دانشگاهی را در چهار مؤلفه آزادی تحقیق، آزادی آموزش، آزادی بیان، انتشار دسته‌بندی کرده است. روش وی بررسی کتابخانه‌ای و تحلیل بررسی اسناد دانشگاه‌های گوناگون بود. این آزادی‌ها دانشگاه را قادر می‌سازد دانش خود را ارتقا دهد و اعضا هیئت علمی آن را به‌طور مؤثر به دانشجویان و جامعه انتقال دهند.

در ایران نیز خرسند و همکاران (۱۴۰۱) با روش داده‌بنیاد و مصاحبه با ۳۵ استاد دانشگاه‌های دولتی ایران، چالش‌های آزادی آکادمیک را بررسی کردند. یافته‌ها نشان‌دهنده موارد جدی نقض آزادی آکادمیک در دانشگاه‌های ایران بود. سلیمی و عبدی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «مطالعه انگاره‌ها و ادراکات اعضای هیئت علمی از مفهوم آزادی آکادمیک»، با هدف فهم اعضای هیئت علمی از مفهوم آزادی آکادمیک، با روش نمونه‌گیری هدفمند و تحلیل مضمون، داده‌های ۱۳۰ استاد دانشگاه کردستان را بررسی کردند. آنها آزادی آکادمیک را در شش مؤلفه دسته‌بندی کردند: آزادی در پژوهش؛ آزادی در تدریس و آموزش؛ آزادی از خودسانسوری؛ حفظ استقلال عمل سازمانی نهادهای دانشگاهی؛ آزادی از تلقین و القاء؛ رعایت حقوق مشروع دانشجویان. نتایج پژوهش سلبی بود و نشان‌دهنده اهمیت اندک آزادی آکادمیک در ایران است. همچنین محمدزاده و همکاران (۱۴۰۰) پژوهشی را با عنوان «آزادی آکادمیک: تحلیل کیفی بر بازنمایی تجارب ذی‌نفعان نهاد علم در ایران» انجام دادند. هدف این تحقیق درک تفسیری جامعه علمی ایران از آزادی آکادمیک بود و با روش پدیدارشناسی تفسیری و مصاحبه با ۴۱ استاد و دانشجو از دانشگاه‌های تهران، علامه و کردستان داده‌ها گردآوری شد. این تحقیق از معدود تحقیقاتی

1. Owusu-Ansah
2. Basheka
3. Atkinson

است که در بخشی از کار خود، نگاه دانشجویی به آزادی آکادمیک را بررسی کرده است و یافته‌ها نشان می‌دهد که درک دانشجویان بیشتر بر آزادی در آموزش و یادگیری، پژوهش (به ویژه پایان‌نامه و رساله)، آزادی بیان و فقدان هژمونی عقیده استوار است؛ اما درک استادان گسترده‌تر بوده و ابعاد بیشتری چون استقلال نهادی دانشگاه و آزادی برای توانمندی و شکوفایی علمی را شامل می‌شود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر در زمره پژوهش‌های کیفی است که به بررسی آزادی آکادمیک دانشجویان می‌پردازد. با توجه به نبود مطالعات کافی در این زمینه، رویکرد داده‌بنیاد با رهیافت ساختارگرایانه چارمز انتخاب شد. محققان برای استفاده از گراند تئوری ساختارگرا یا گراند تئوری چارمز به جای تلاش برای پاک کردن یا فراموش کردن دانش و تجربیات خود، باید دیدگاه‌هایشان را هدایت و کنترل کنند. به تعبیری، این رویکرد وابسته به مفسر است (کرسول، ۲۰۱۹؛ ترجمه دانایی فرد و کاظمی، ۱۳۹۸، ص ۸۹). گراند تئوری ساختارگرای چارمز، به گفته کرسول، به شناخت تجربه مدنظر، وضعیت‌ها و روابط و سلسله‌مراتب قدرت حساس است و در پی شناسایی ارتباطات و فرصت‌ها است. این رویکرد دارای دو مرحله اصلی در کدگذاری و تجزیه و تحلیل است: ۱- کدگذاری تمام داده‌ها از مصاحبه‌ها و اسناد؛ ۲- بیشترین استفاده از کدها و سازماندهی داده‌های باقی‌مانده در اطراف آنها. مرحله اول، امکان بسیاری از جهت‌های نظریه بالقوه را فراهم می‌کند و از طریق چندین سبک کدگذاری در گراند تئوری، مانند کلمه به کلمه و خطبه خط انجام می‌شود. در این فرایند، یادداشت‌برداری مهم است: یادداشت‌ها بخشی از فرایند چرخه‌ای هستند و به ساخت دسته‌های اولیه کمک می‌کنند. در این فرایند داده‌ها به عنوان اقدامات کدگذاری می‌شوند نه صرفاً ویژگی‌های شرکت‌کنندگان، تا تحلیل و مقوله‌ها قوی‌تر شوند. برخلاف استفاده از «مقوله اصلی»، چارمز امکان وجود بیش از یک دسته‌بندی یا موضوع اصلی را مجاز می‌داند. گرچه این دسته‌بندی‌ها باید از داده‌ها ساخته شوند نه اینکه تحت تأثیر مفاهیم از پیش طراحی شده باشند. چارمز استدلال می‌کند که فرار از دانش قبلی تقریباً غیرممکن است و بنابراین محققان باید ذهنی باز و انعطاف‌پذیر داشته باشند. این رهیافت با روش تعاملی و تکراری، امکان درک دیدگاه‌ها و اقدامات شرکت‌کنندگان از منظر خود آنان را فراهم می‌کند و کدگذاری را یک گام جلوتر می‌برد.

میدان پژوهش

میدان پژوهش شامل دانشجویان مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه کردستان بود. شرکت‌کنندگان در مصاحبه ۲۰ دانشجو بودند که از میان آنان ۱۵ نفر زن و ۵ نفر مرد بودند. اشاره به جنسیت شرکت‌کنندگان به دلیل تفاوت در پاسخ‌های آنها طی مصاحبه اهمیت داشت. از نظر مقطع تحصیلی ترکیب شرکت‌کنندگان شامل ۵ نفر دانشجوی دکتری، ۷ نفر دانشجوی کارشناسی ارشد، ۲ نفر دانشجوی کارشناسی

ارشد بین‌الملل و ۵ نفر دانشجوی کارشناسی بود. نمونه‌ها به روش نمونه‌گیری هدف‌مند (قضاوتی) انتخاب شدند؛ روشی که در آن پژوهشگر آگاهانه افراد یا عناصر مشخصی را برمی‌گزیند (جلالی، ۱۳۹۱). در این پژوهش، تلاش شد افرادی انتخاب شوند که بیشترین اطلاعات مرتبط را در اختیار قرار دهند؛ بنابراین می‌توان گفت از نمونه‌گیری هدف‌مند نظری استفاده شده است. فرایند نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت؛ یعنی تا زمانی که در مصاحبه‌های بعدی داده‌های جدیدی در ارتباط با مقوله‌ها پدیدار نمی‌شد. در این مرحله، مقوله‌ها به غلظت کافی رسیده و روابط میان آنها برقرار و تأیید شده بود (ستراوس و کوربین، ۲۰۰۸). پیش از انجام مصاحبه، به منظور رعایت حریم شخصی شرکت‌کنندگان و نیز امکان مطالعه دقیق متن مصاحبه، از آنان اجازه ضبط صدا گرفته شد. در این میان، سه نفر از دانشجویان دکتری اجازه ضبط صدای خود را ندادند؛ بنابراین پاسخ‌ها و توضیحات آنان به صورت هم‌زمان و دستی ثبت شد.

جدول (۱) مشخصات جمعیت‌شناختی و تحصیلی مشارکت‌کنندگان

ردیف	جنسیت	میزان تحصیلات
مصاحبه‌شونده (۱)	زن	کارشناسی ارشد
مصاحبه‌شونده (۲)	زن	کارشناسی ارشد
مصاحبه‌شونده (۳)	زن	کارشناسی ارشد بیوشیمی
مصاحبه‌شونده (۴)	زن	کارشناسی ارشد (علوم پایه)
مصاحبه‌شونده (۵)	زن	کارشناسی ارشد شیمی
مصاحبه‌شونده (۶)	زن	کارشناسی ارشد
مصاحبه‌شونده (۷)	مرد	کارشناسی
مصاحبه‌شونده (۸)	زن	کارشناسی ارشد
مصاحبه‌شونده (۹)	زن	کارشناسی
مصاحبه‌شونده (۱۰)	زن	کارشناسی
مصاحبه‌شونده (۱۱)	زن	کارشناسی
مصاحبه‌شونده (۱۲)	زن	کارشناسی
مصاحبه‌شونده (۱۳)	مرد	کارشناسی ارشد
مصاحبه‌شونده (۱۴)	زن	دکتری
مصاحبه‌شونده (۱۵)	مرد	دکتری
مصاحبه‌شونده (۱۶)	مرد	دکتری
مصاحبه‌شونده (۱۷)	زن	کارشناسی ارشد (بین‌المللی)
مصاحبه‌شونده (۱۸)	زن	کارشناسی ارشد (بین‌المللی)
مصاحبه‌شونده (۱۹)	زن	دکتری
مصاحبه‌شونده (۲۰)	مرد	دکتری

ابزار گردآوری و تحلیل داده‌ها

ابزار مورد استفاده در این پژوهش مصاحبه‌های باز بود؛ بدین معنا که سؤالات کلی مصاحبه از پیش تعیین شده بود (دلاور، ۱۳۹۰). با این حال، گرچه پژوهشگر از تمامی مشارکت‌کنندگان پرسش‌های یکسانی را پرسید اما آنها آزاد بودند که به هر روشی که می‌خواهند پاسخ دهند. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل استقرایی کیفی استفاده شد. معمولاً در نظریه داده‌بنیاد از سه روش کدگذاری باز، محوری و انتخابی (گزینشی) استفاده می‌شود. در تحلیل حاضر نیز همین چارچوب کلی رعایت گردید. نکته مهم آن است که این سه نوع کدگذاری نباید جداگانه و منفصل تحلیل شوند؛ بلکه فرایند تفسیر از کدگذاری باز شروع می‌شود و هرچه به مراحل پایانی نزدیک‌تر می‌شویم کدگذاری گزینشی بیشتر مطرح می‌شود (لقمان‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰).

یافته‌ها

پرسش اول

دانشجویان دانشگاه کردستان، بر پایه تجارب خود از فضای دانشگاهی، آزادی آکادمیک را واجد چه مؤلفه‌هایی می‌دانستند؟

مشخص‌ترین مؤلفه‌هایی که دانشجویان برای مفهوم آزادی آکادمیک (بر مبنای تجارب دانشگاهی خود) در ذهن داشتند به ترتیب عبارت بودند از:

۱- آزادی گفتار؛ به باور دانشجویان، آزادی گفتار یکی از بنیادی‌ترین حقوق در جوامع دموکراتیک است و محیط دانشگاهی نیز باید از این حق برخوردار باشد. این آزادی در سه سطح اصلی نمود پیدا می‌کند:

الف) هر دانشجویی باید در انتخاب و بیان و تحلیل مطالب درسی آزاد باشد. منظور آن بود که دانشگاه فضایی باید ایجاد کند که در آن تنوع درس‌ها و استادان تخصصی زیاد باشد و دانشجو بتواند به اختیار خود به تناسب نیاز و روزآمدی آنها کلاس را انتخاب کند. همچنین در درون کلاس‌های انتخابی باید او بتواند مطالب را تحلیل و دیدگاه‌های خود را بگوید. همچنین دانشجو باید بتواند مقاله خود را آزادانه منتشر کرده و امتیاز آن نیز متعلق به او باشد. دانشجویان باید این اختیار داشته باشند که درس‌های عمومی را بدون هیچ مشکلی نگذرانند و در عوض در واحدهایی که می‌دانند به نفع رشته و حوزه آنها است شرکت کنند و مانعی نداشته باشند. حتی گذراندن این درس‌ها در کارنامه دانشگاهی آنان ثبت شود.

ب) هر دانشجویی باید در بیان و تحلیل مطالب غیردرسی در کلاس نیز آزاد باشد. بیان ذهنیت به پرورش افکار و ایده‌ها در ذهن آنان کمک کرده و ایشان را برای تدریس آماده می‌سازد. همچنین می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری ایده‌های کارآفرینانه باشد.

ج) دانشجویان باید حق نقد قدرت و بحث آزاد را داشته باشند. باید بدون ترس از قضاوت شدن یا مداخله‌های

نابجا، بتوانند مطالبات خود را بگویند و خواهان عدالت باشند. دانشگاه باید فضای بحث آزاد را فراهم کند و مسئولان و استادان باید نقدپذیر باشند. این امر به پیشرفت دانشگاه کمک می‌کند؛ زیرا نوعی نظارت عمومی بر عملکرد دانشگاه ایجاد می‌شود.

۲- آزادی ارتباطات؛ علاوه بر آزادی گفتار، برداشت دیگری هم از آزادی آکادمیک بود که می‌توان آن را آزادی ارتباطات نامید. به باور دانشجویان دانشگاه تنها با ارتباطات آزاد می‌تواند مسیر پیشرفت خود را هموار کند. این آزادی در دو سطح اصلی نمود پیدا می‌کند:

الف) دانشجو باید بتواند آزادانه با دیگر دانشجویان و همچنین با دانشگاه‌های جهان ارتباط برقرار کند و این ارتباط باید به‌عنوان یک حق تضمین شود و فضای رسمی دانشگاه نباید مانع آن گردد. لازمه تحقق این امر، پذیرش دانشجو در مقام یک صنف و ایجاد انجمن‌های صنفی و علمی است که ارتباطات را تسهیل کند.

ب) دانشجویان باید حق داشته باشند با استادان و مدیران دانشگاه در هر سطحی ارتباط برقرار کنند و هیچ مانعی بر سر راه آنان برای انتقاد یا شکایت از وضعیت‌های ناهنجار وجود نداشته باشد. دانشگاه باید این فرصت را برای دانشجویان فراهم کند که در مدیریت دانشگاه حضور فعال داشته باشند و نه صرفاً حضور نمادین. ریاست دانشگاه باید همان‌گونه که به وضعیت اعضای هیئت علمی توجه دارد برای دانشجویان نیز وقت بگذارد، به آنان توجه کند و ارزش قائل شود.

با توجه به محدودیت صفحات، امکان درج تمامی نقل‌قول‌ها وجود ندارد؛ باین‌حال، در ارتباط با این پرسش به نمونه‌هایی از گفته‌های دانشجویان به‌عنوان شواهد و تأیید یافته‌ها اشاره می‌شود:

کد ۱۷: «دانشجویان وقتی با راهنمایی اساتید چندین مقاله را می‌نویسند چرا باید این آزادی را نداشته باشند که خودشان نویسنده مسئول باشند و امتیاز مقاله را دریافت کنند».

کد ۸: «اگر از نظر آزادی آکادمیک محیط دانشگاه‌های ایران را در نظر بگیریم می‌توان به‌طور واضح مشاهده کرد که گروه‌هایی خاص اداره و هدایت دانشگاه را در دست دارند. این گروه‌های خاص دانشگاه را به سمت و سویی می‌برند که دانشجو فقط در حد ابراز نظرات و دیدگاه‌های خود در حیطه گروه‌های کوچک را دارد».

کد ۱۰: «زمانی که بتوان ایده‌ها و فکر خود را بدون هیچ دغدغه و ترس از عواقب آن بیان کرد حال چه ایده و فکر درسی باشد چه خارج از حوزه آموزشی و مربوط به شیوه اجرایی دانشگاه باشد تازه می‌توان به آزادی آکادمیک اشاره کرد».

کد ۱: «با گسترده‌کردن روابط فرد با دیگر دانشجویان، اساتید و عوامل دانشگاه و با گسترش صمیمیت خود می‌توان تا حدودی این ترس از بیان خواسته را از بین برد».

کد ۳: «همه افراد با هم کامل می‌شوند و هر کس دارای تمام کمالات نیست؛ بلکه در هر زمینه‌ای نیاز به همکاری و کمک دارد که این فقط در صورت برقرارکردن ارتباط با یکدیگر میسر می‌شود».

در این زمینه کدهای ۲، ۶، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۸ هم‌نظر بوده‌اند.

جدول (۲) کدهای پرسش اول (برداشت‌ها از مفهوم آزادی آکادمیک)

کد منتخب	کد محوری	کدباز
آزادی گفتار	آزادی در انتخاب و بیان و تحلیل مطالب درسی	انتخاب درس‌های عمومی - تنوع درس‌ها - تغییر موضوع - به‌روزشدن علمی - سنوات - فرصت مطالعاتی - ارائه یک کار عالی - طرح و ایده - بیان موضوع - امتیاز مقاله - چاپ مقاله
	آزادی در بیان و تحلیل مطالب غیردرسی	فکرکردن به نتایج - گروه‌های خاص - بیان ذهنیت - قدرت تدریس - ایده و فکر - آزادی علمی، پژوهشی - کارآفرینی - موضوع انتخاب‌شده
	حق نقد قدرت و بحث آزاد	فرهنگ‌سازی - ترس از قضاوت شدن - بیان دیدگاه - احترام به عقاید دانشجویان - انتقادپذیری استادان و مسئولان - احترام به طرز فکر آدم‌ها - برقراری عدالت - مطالبه دانشجویان - آزادی حرف زدن در دانشگاه - جبهه‌گیری - نظارت بر دانشگاه - تحت کنترل بودن - اظهارنظر - ارزش‌گذاری آزادی - عدم مداخله - ایجاد بستر بحث
آزادی ارتباطات	آزادی ارتباط با دیگر دانشجویان	برقرارکردن ارتباط با سایر دانشگاه‌ها - رابطه صمیمانه - ارتباط غیررسمی - صنف دانشجویی - شخصیت دانشجو - نمایندگان دانشجویان - دانشجو بین‌الملل
	آزادی ارتباط با استادان و مدیران	فراتر از استادی - صنف استادان - ریاست دانشگاه رابطه استاد و دانشجو - همکاری با دانشجو - گسترش ارتباط - ایجاد فرصت گفتگو

پرسش دوم

دانشجویان چه امکاناتی را برای تحقق نسبی آزادی آکادمیک در اختیار دارند؟

پرسش دوم به بررسی و تحلیل شرایط لازم برای تحقق نسبی آزادی آکادمیک پرداخته است. این شرایط از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان وابسته به وجود عدالت آکادمیک است. دانشگاه در طول تاریخ همواره مهم‌ترین جایگاه حقیقت‌جویی و دانش بوده است. فضای دانشگاه تعیین می‌کند که این نهاد در مسیر تکامل قرار دارد یا خیر؛ یعنی اینکه دانشگاه در بخش‌های گوناگون خود فعالیت‌های سازنده داشته باشد و در نتیجه پیشرفت کند. در نگاه دانشجویان،

الف) فضای آموزشی دانشگاه باید به‌گونه‌ای باشد که دانشجویان بتوانند با آزادی تمام در کلاس مشارکت کنند و از ناعدالتی‌ها به‌دور باشند که این فضا زمینه پیشرفت دانشجو را در طول دوره تحصیلی فراهم می‌کند. دانشگاه باید دانشجومدار باشد و بتواند در صدر هر موضوعی و چالشی مصالح دانشجو را مورد بررسی و توجه قرار دهد. دانشگاه باید فرصت‌های متنوعی برای شکوفایی استعدادها و دانشجویان ایجاد کند. دانشجویان باید بتوانند فارغ از اینکه وضعیت آنان در کنکور چگونه هست در انتخاب دانشگاه آزاد باشند؛ ورود به دانشگاه آسان باشد، اما مسیر تحصیل دشوار و چالش‌برانگیز باشد تا کیفیت علمی حفظ شود.

ب) دانشجویان نباید از ناعدالتی‌های پژوهشی رنج ببرند؛ مانند انجام کامل یک تحقیق بدون آنکه نویسنده مسئول شناخته شوند و اینکه از تحقیقات در سطح جهانی محروم باشند. دانشجویان باید حق بیان نظرات و افکار خود در طول پژوهش را داشته باشند و استادان به این نظرات بها دهند. دانشجویان تحصیلات تکمیلی باید از

دلایل تصمیمات مرتبط با پژوهش خود آگاه شوند؛ مانند رد پروپوزال یا محدودیت در انتخاب استاد راهنما در دانشگاه یا دانشکده‌های دیگر.

ج) دانشجویان باید بدون پرداخت هزینه سنگین از امکانات آموزشی و پژوهشی برخوردار باشند. دسترسی به پایگاه‌های اطلاعاتی جهانی باید برای آنان فراهم شود. دانشگاه باید هزینه‌های پرداخت شده را بازگرداند و علاوه بر آن کمک هزینه‌های بلاعوض در اختیار دانشجویان قرار دهد.

همان‌گونه که گفته شد، به دلیل محدودیت‌ها نمی‌توان همه نقل قول‌ها را آورد؛ ولی در ارتباط با این پرسش به نمونه‌هایی از مصاحبه‌ها برای تأیید آنچه آمد اشاره می‌شود:

کد 2: «اگر دانشجو و اساتید آزادی انجام پروژه‌های علمی - پژوهشی را داشته باشند می‌توانند در بالابردن سطح علمی دانشگاه بسیار اثرگذار باشند».

کد 17: «بسیاری از اساتید راهنما در هر زمینه‌ای که تخصص داشته باشند و بخواهند در آن زمینه مقاله داشته باشند دانشجو را موظف به انتخاب موضوع در آن زمینه می‌کنند».

کد 12: «چون وقتی یک جامعه دارای اقتصاد آزاد است می‌تواند شرایط و امکانات لازم و محیط رقابتی سالم را برای افراد به وجود آورد».

کد 17: «آزادی آکادمیک در عدالت آموزشی خلاصه می‌شود چرا که وقتی تمام شرایط و امکانات برای دانشجویان فراهم شود و عدالت آموزشی برقرار می‌شود».

کد 14: «باتوجه به شرایط و مسائل مطرح این روزهای کشور در هر دانشگاهی نه فقط دانشگاه کردستان در بسیاری موارد تحریم‌هایی که وجود دارند حال از نظر دارو، مواد آزمایشگاهی، وسایل آزمایشگاهی، هزینه بردار شدن تهیه مواد و وسایل مورد نیاز. از نظر علمی - پژوهشی هم می‌توان گفت برای ارائه مقالات و یک سری کارهای پژوهشی دانشجو با محدودیت روبه‌رو می‌شود».

در این زمینه کدهای 2، 3، 14، 15، 16 هم نظر بودند.

جدول (3) کدهای پرسش دوم (شرایط تأثیرگذار بر آزادی آکادمیک)

کد منتخب	کد محوری	کدباز
عدالت آکادمیک	آموزش	بیان افکار - عدالت آموزشی - دانشجو مدار - فرصت ایجاد موقعیت - انتخاب دانشگاه - برگزیدن دانشجوی مناسب - پیشرفت دانشجو
	پژوهش	حضور در سطح جهانی - نویسنده مستول بودن - آزادی علمی - تجربه عقلی - دیدگاه دانشجو - آزادی اجتماعی دانشجو - سطح علمی
	امکانات	دسترسی به امکانات آزادی عمل - محیط مستقل - کمک هزینه - حیطه کار کردن - امنیت در انجام فعالیت‌ها - هزینه انجام پژوهش - شرایط انجام کار

پرسش سوم

به باور دانشجویان چه چالش‌هایی در فرایند آزادی آکادمیک دانشجویی نقش دارند؟ در بررسی و تشریح این سؤال باور بر آن بود که چالش اصلی وضعیتی است که می‌توان آن را فضای مداخله‌گرانه نامید. آزادی آکادمیک در دانشگاه‌ها تحت تأثیر عوامل مداخله‌گر قرار دارد؛ عواملی که می‌توانند وضعیت آزادی را تضعیف یا تقویت کنند. دانشگاه باید این محدودیت‌ها را کنار بگذارد و به دانشجویان برای تسلط بر این محدودیت‌ها یاری رساند. دانشجویان در این زمینه بر این باور بودند که،

الف) دانشجویان باید از فضای سخت‌گیرانه در امان باشد و نباید برای مسائل شخصی مورد پرسش و پاسخ قرار گیرند و به برای بیان افکار و عقاید مورد تعقیب قرار نگیرند. از دیگر حقوق دانشجویان تأمین حس امنیت در دانشگاه و کار دانشگاهی و نبود سرکوب دانشجویان به دلایل سیاسی است. دانشجویان نباید در برنامه‌ریزی‌های دانشگاه نادیده گرفته شوند زیرا یکی از پایه‌های اصلی دانشگاه هستند، اما در ایران در کمترین بخش از توجه قرار دارند. دانشگاه در ایران رویکردی برده‌وار را در مقابل دانشجویان اتخاذ کرده و دانشجویان را مانند ابزار تولید مقاله می‌بیند.

ب) دانشجویان نباید به دلیل نژاد، زبان، دین، رنگ پوست یا ظاهر مورد تمسخر قرار گیرند و به دلیل اینکه زبانی یا مذهبی رسمی است موجب به‌وجود آمدن تبعیض میان آنان نشود. همچنین دانشجویان نباید به دلیل تفاوت‌های جنسیتی مورد تبعیض قرار گیرند و امکانات و آزادی‌ها به‌طور برابر میان دانشجویان تقسیم شوند. استادان نباید عقاید خود را بر دانشجویان تحمیل کنند و آنها باید آزادانه شیوه تفکر خود را انتخاب کنند.

ج) منابع مالی دانشگاه باید به‌طور عادلانه میان رشته‌ها و طرح‌ها توزیع شود. همچنین دانشگاه برای کسب بودجه بیشتر از پذیرش تعداد زیاد دانشجویان خودداری کند. یکی دیگر از حقوق دانشجویان پرداخت حقوق به آنها برای کارهای دانشگاهی است که در ایران به‌تمامی مغفول واقع شده است.

د) برخی از محدودیت‌ها مربوط به خود دانشجویان است؛ دانشجویان فرصت‌های موفقیت خود را بسیار کم می‌کنند و آن را در چند مورد خلاصه می‌کنند؛ مانند اینکه فقط در برخی رشته‌ها موفقیت را می‌بینند. بسیاری از دانشجویان به نسبت به دانشگاه بسیار بی‌تفاوت هستند و در دانشگاه نمی‌توانند خود را دارای جایگاه ببینند و بتوانند در راستای مسائل دانشگاهی با همدیگر ارتباط بگیرند. از مصائب دیگر دانشجویان وجود محدودیت در رفتارهای شخصی آنان است؛ مانند پوشش و همچنین اجبار نوعی پوشش بر آنان است که از نهادهای بیرونی دانشگاه تحمیل می‌شود و در برخی موارد خود دانشجویان مجری این فشارها و اجبارها بر دیگران می‌شوند.

در ارتباط با این پرسش نیز تنها به نمونه‌هایی از مصاحبه‌ها جهت تأیید آنچه آمد اشاره می‌شود:

کد ۱۸: «می‌توان خلاصه‌ترین دلیل نداشتن آزادی دانشجویان در دانشگاه به اداره دانشگاه توسط گروه‌های خاص اشاره کرد که رئیس دانشگاه در بیشتر مواقع یک نماد است حتی اگر خواستار بررسی خواسته‌ها و درخواست

دانشجویان باشد این توانایی را از او گرفته‌اند و نمی‌تواند عمل‌گرا باشد».

کد ۱۱: «اگر بحث از آزادی و استقلال دانشگاه باشد اولین ذهنیت به جنبه سیاسی آن برمی‌گردد؛ ولی اگر دانشگاهی زیر سایه استقلال باشد پس باید به مستقل بودن آن پی ببریم؛ یعنی این دانشگاه از فیدوبند نظارت دستگاه‌های دولتی جداست و فضای دخالت در امور خود را به مقامات بیرون نمی‌دهد».

کد ۵: «وقتی یک نفر به‌عنوان دانشجو وارد محیط آکادمیک می‌شود به این سن و تجربه عقلی رسیده است که دیگر نیازی به یادآوری در زمینه برقراری روابط ندارد؛ چون عدم برقراری ارتباط دانشجویان خود توفعی بی‌اساس است محیط آکادمیک خود خواهان ارتباط برقرار کردن است».

کد ۱۴: «وقتی مدیریت ناکارآمد باشد در زمینه اقتصادی هم مسائلی پیش می‌آید وقتی دانشگاه بدون توجه به شرایط و امکانات به پذیرش بیشتر از حد تناسب دانشگاه می‌پردازند از هر بخشی (شبانه، پردیس، روزانه) پذیرش می‌گیرند اولین قانونی که نقض می‌شود توجه به تناسب بین دانشجو استاد است در نتیجه خروجی کلاس‌ها به پایین‌ترین کیفیت خود می‌رسد و تعادل کلاس‌ها رعایت نمی‌شود».

کد ۲: «در رابطه با پوشش خاص معتقدند آزادی پوشش در هر فرهنگ و اجتماعی فرق دارد هر محیطی پوشش خاص خود را می‌طلبد؛ اما نباید به‌گونه‌ای باشد که افراد را مجبور به انتخاب پوشش خاصی کنند».

کدهای ۱، ۳، ۴، ۶، ۷، ۱۱، ۱۵، ۱۶، ۲۰ در این زمینه‌ها هم‌نظر بوده‌اند.

جدول (۴) کدهای پرسش سوم (چالش‌ها و موانع مداخله‌گر).

کد منتخب	کد محوری	کدباز
فضای مداخله‌گرانه	محدودیت‌های سیاسی	فضای خشک و سخت‌گیرانه - فقدان آزادی بیان - ترس - سرکوب دانشجویان - سلب آزادی - تنگنانهایی در ابعاد آموزشی - عدم هماهنگی استراتژی‌های اتخاذشده با علایق و سلايق دانشجویان - جو خشک حاکم بر کلاس - برده علمی - چارچوب‌های رسمی دانشگاه
	محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی	رفتار تحقیرآمیز - تبعیض قائل‌شدن - ناکارآمدی استادان - تبعیض جنسیتی - محدودیت انجام کار علمی - فرهنگ جامعه - دانشجوی بومی و غیربومی - تحمیل عقاید - محیط کاملاً استادمدار
	محدودیت‌های اقتصادی دانشگاه	توزیع ناعادلانه منابع مالی و امکانات - پذیرش بیشتر از حد دانشجویان - نبود بودجه لازم - مشاغل جداگانه استادان - کمبود بودجه - ظرفیت اتاق - پذیرش دانشجوی شبانه - حقوق دانشجویان
	محدودیت‌های شخصی دانشجویان	محدود کردن موفقیت - نوع پوشش - بی‌تفاوتی - فقدان آزادی ارتباط - پوشش اجباری - خودمختاری - ناتوان بودن دانشجویان - مذهب - سهل‌انگاری

پرسش چهارم

دانشجویان در برابر مشکلات و چالش‌های آزادی آکادمیک چه راهبردهایی داشتند؟

راهبرد دانشجویان در برابر مشکلات و چالش‌های آزادی آکادمیک، تلاش برای نهادینه‌سازی آزادی آکادمیک بود. آنان بر این باور بودند که این امر نیازمند اتخاذ راهبردهای فردی و جمعی است.

الف) دانشجویان معتقد بودند که راهبردهای فردی را باید جدی گرفت. برای عبور از برخی از چالش‌ها باید به زبان انگلیسی یا زبان‌های خارجی دیگر که زبان علم و ارتباط است مسلط شوند. همچنین بایستی دانشجو ابتکار عمل را به دست گیرد و بکوشد استاد راهنمای خود را انتخاب بکند و نه آن که در گروه میان اساتید تقسیم بشوند. همچنین باید با توان علمی خود تا حدودی حوزه اختیارات استاد راهنما را کنترل کرده و در موضوع و در پیشبرد روش پژوهشی خود اختیار داشته باشد. نکته‌ای که دانشجویان از آن خرسند نیستند نبود صمیمیت میان استاد راهنما و دانشجویست که به گمان آنان مانع پیشرفت مطلوب کار تحقیقی آنان می‌شود.

ب) برخی راهبردها هم جمعی است. حضور گسترده دانشجویان در شورای صنفی و همکاری با شورا به رفع بسیاری از چالش‌ها کمک می‌کند و حس مشارکت در مدیریت دانشگاه را در دانشجویان تقویت می‌کند. نبود رویکرد مشارکتی باعث نارضایتی دانشجویان از مدیریت دانشگاه می‌شود. همچنین دانشجویان باید از طریق انجمن‌های علمی در کلاس‌ها و سمینارهای بین‌المللی شرکت کنند تا با وضعیت علم در جهان آشنا شوند و بتوانند دانشگاه خود را در رتبه‌بندی‌ها پشتیبانی کنند.

در ارتباط با این پرسش نیز تنها به ذکر نمونه‌هایی از مصاحبه‌ها جهت تأیید آنچه آمد بسنده می‌شود.

کد ۱۳: «یکی از ابتدایی‌ترین حق‌هایی که دانشجویان دارند خصوصاً دانشجویان دکترا باید این اختیارات را داشته باشند خودشان استاد راهنمای خود را انتخاب کنند؛ چون دانشجویان دکترا بیشتر اوقات غیر بومی هستند و آشنایی کافی با اساتید ندارند».

کد ۱۵: «در محیطی که افراد زیادی وجود دارند باید اولین مسئله‌ای که به آن توجه می‌شود وجود تفاوت‌های فردی و دیدگاه‌های مختلفی که وجود دارند باشد».

کد ۱۰: «این راهبردها بیانگر انجام تمام فعالیت‌های خدماتی، اجتماعی، آموزشی، مشارکت‌های علمی و عملی در حیطه آکادمیک است به گونه‌ای که از سرکوب دولت‌ها و دیگر سازمان‌های مداخله‌گر مصون باشند. در سایه وجود راهبردهای جمعی می‌توان انجمن‌ها و اتحادیه‌های حرفه‌ای، علمی، دانشی، اقتصادی را به وجود آورد و به این واسطه با دانشگاه‌های دیگر ارتباط برقرار کرد. راهبردهای جمعی زمینه‌ساز همفکری‌های گروهی است».

کد ۵: «اگر دانشگاه را محیطی مستقل از سایر نظام‌ها بدانیم وقتی دانشجو وارد محیط آکادمیک می‌شود با فضای پر از تنش و استرس روبه‌رو نمی‌شود و مجبور نیست حتماً خود را همسو با چارچوب‌های فردانشگاهی قرار دهد».

کد ۲۰: «برای دانشجویان شورای صنفی تحت عنوان نمایندگان دانشجویان برقرار شد در حالی که بیشتر اوقات

اجازه انجام کاری را ندارند و خواسته و مطالبات دانشجویان برقرار نمی‌شود». کدهای ۱، ۲، ۳، ۴، ۶، ۷، ۱۱، ۱۶، ۱۷، ۱۹ در این زمینه‌ها هم‌نظر بودند.

جدول (۵) کدهای پرسش چهارم (راهبردها در برابر مشکلات و چالش‌ها)

کد منتخب	کد محوری	کد باز
پژوهشی	راهبردهای فردی	عمل‌گرایی - حس امنیت - یادگیری زبان بین‌المللی - اختیار در انتخاب استاد راهنما - کاستن از اختیارات استاد راهنما - گسترش صمیمیت - انعطاف‌پذیری
	راهبردهای جمعی	شورای صنفی - هدایت دانشگاه - سمینارها - انجمن‌های علمی - کلاس بین‌المللی - رتبه‌بندی دانشگاه

بحث و نتیجه‌گیری

برآیند مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته ژرف با ۲۰ دانشجو در هر سه مقطع دانشگاهی در دانشگاه کردستان نشان می‌دهد که آزادی آکادمیک در فضای دانشگاهی ایران دارای چالش‌های بسیار جدی و عمیق است. عوامل این وضعیت و پیامدهای منفی آن محدود به محیط دانشگاه نیست، بلکه بیشتر ریشه در عوامل بیرونی دارد. این یافته با دیدگاه‌های آلتباخ (۲۰۰۹) همخوانی دارد؛ وی دانشگاه در کلاس جهانی را متکی بر چهار مؤلفه می‌داند: امکانات و منابع مالی کافی؛ پژوهش متناسب؛ مدیریت منعطف؛ آزادی آکادمیک. این آزادی هم شامل آزادی بیان و عمل استادان است و هم آزادی دانشجویان. متأسفانه بخش دوم، یعنی آزادی آکادمیک دانشجویی، در ایران همواره مغفول مانده است. بخشی از این غفلت به‌واسطه نگاه فرادستانه استادان است که نویسنده آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های دانشگاهی هستند؛ و بخشی هم به‌واسطه نگاه سیاسی - ایدئولوژیک حکومت‌ها است که همواره بدنه دانشجویی را به‌واسطه شور جوانی و آرمان‌خواهی واجد پتانسیلی بزرگ برای اعتراض‌ها دیده‌اند. حکومت‌ها هم با قوانین و مصوبات وزارتی دانشگاه‌ها را مطابق خواست خود شکل می‌دهند. از این رو می‌توان گفت آزادی آکادمیک در ایران در قالب یک مثلث مفهومی قابل بررسی است که سه ضلع آن، سیاستمداران، استادان، و دانشجویان هستند. هرگاه این سه ضلع نامتقارن باشند یا یکی از آنها نادیده گرفته شود، مفهوم آزادی آکادمیک چالش‌برانگیز خواهد شد. متأسفانه در ایران (۱) پژوهش‌های اندکی درباره آزادی آکادمیک انجام شده است؛ و (۲) آزادی آکادمیک دانشجویی به‌طور خاص تقریباً هیچ‌گاه بررسی نشده است. بر این اساس، نتایج برگرفته از تجارب و دریافتهای دانشجویان دانشگاه کردستان درباره وضعیت آزادی آکادمیک دانشجویی به شرح زیر است:

۱- برداشت دانشجویان از مفهوم آزادی آکادمیک بر مبنای تجاربی که داشتند متفاوت بود. ۱۴ دانشجو آزادی

آکادمیک را در آزادی گفتار معنا کرده‌اند. آنان از تجربه ترس خود برای بیان دغدغه‌هایشان در مصاحبه سخن گفتند. این یافته با پژوهش زاهدی و شریف‌زاده (۱۳۹۹) همخوانی دارد که نشان می‌دهد آزادی گفتار در ابعاد مختلف وجود دارد و دانشجو مانند یک فرد باید از آن برخوردار باشد. در مقابل، شماری دیگر از دانشجویان آزادی را در امکان برقراری ارتباط می‌دیدند و این ارتباط هم با دیگر دانشجویان و هم استادان معنا می‌شد؛ تجارب این دانشجویان نشان می‌دهد بدون آزادی ارتباط، آزادی آکادمیک بی‌معناست. این نتایج همسو با تحقیق کوثری و خوشنام (۱۳۹۶) است که ارتباط دانشجویان از هر دو جنس و فرهنگ‌های مختلف را از مصادیق دانشگاهی بودن می‌داند. همچنین مطابق پژوهش محمدطاهری (۱۳۹۵) آزادی ارتباطات بر ساحت زندگی فردی-اجتماعی دانشجو تأثیرگذار است و آن را حق وی می‌داند. ارتباط میان استاد و دانشجو نیز نقشی اساسی در اجتماعی شدن دانشجو در محیط آکادمیک دارد. وجود ارتباطی مناسب و معنادار موجب رشد دانشجو می‌شود (جعفرزاده و همکاران، ۱۴۰۰).

بدیهی است که برداشت دانشجویان از آزادی آکادمیک با برداشت استادان تفاوت دارد. دانشجویان افزون بر ساختار سیاسی و درسی حاکم بر کلاس درس، آزادی در گفتار را به آزادی نقد و مخالفت با دیدگاه‌های علمی و روش‌های آموزشی استاد می‌دانند، هرچند برخی آن را مخاطره‌برانگیز تلقی کرده‌اند. همچنین استادان ارتباط را عمدتاً در تعامل با همکاران دانشگاهی خود می‌بینند. در مقابل، دانشجویان حتی از برقراری ارتباط با استادان گروه (غیر از استاد راهنما) واهمه داشتند و می‌ترسیدند که این امر موجب ناراحتی استاد راهنما شود. ارتباط با دیگر دانشجویان، به‌ویژه غیرهمجنس، در بسیاری موارد تابو تلقی شده و دانشجویان آن را بی‌مناک می‌دانستند. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد چرا پرداختن به برداشت‌های دانشجویی از آزادی آکادمیک اهمیت دارد. در حالی که برخی پژوهشگران آزادی آکادمیک، به‌گونه‌ای این مفهوم را تعریف کرده‌اند که تنها شامل حال استادان می‌شود (برای نمونه، براون^۱، ۲۰۰۶؛ فیش، ۲۰۱۴).

۲- بر اساس تجارب دانشجویان، تحقق آزادی آکادمیک دانشجویی مستلزم وجود عدالت در سه سطح آموزشی، پژوهشی و رفاهی است. در نبود چنین فضایی، بیگانگی و دل‌سردی بر محیط دانشگاهی حاکم می‌شود و روند آکادمیک مختل خواهد شد. دانشجویان باید در میزان مشارکت در کلاس و بهره‌مندی از کلاس خوب، توزیع امکانات و امتیازات پژوهشی و همچنین بهره‌مندی از خدمات و امکانات رفاهی برابر باشند و تبعیضی صورت نگیرد. این یافته‌ها با پژوهش آژیر و همکاران (۱۴۰۰) همسو است. همچنین تأکید بر آزادی دانشجو در پی‌گیری علایق پژوهشی خود بدون اعمال فشار، با نتایج پژوهش محمدزاده (۱۴۰۰) منطبق است.

شاید این یافته، مهم‌ترین بخش نتایج باشد؛ چراکه دانشجویان پیوندی میان دو مفهوم آزادی و عدالت دیده‌اند - پیوندی که در پژوهش‌های پیشین چندان بدان توجه نشده است. بدون عدالت آکادمیک نمی‌توان آزادی آکادمیک

را نهادینه کرد و همواره آنان که فرادست هستند و از امتیازات ویژه برخوردارند آزادی بیشتری داشته و در مقابل، فرودستان همواره سهم اندکی از آزادی در معنای راستین خواهند داشت.

۳- بر اساس تجارب دانشجویان، مهم‌ترین مسئله در موضوع آزادی آکادمیک در ابعاد مختلف آن حل چالش‌هایی است که در برابر آن قرار دارد؛ برای نمونه فضای سیاسی یا اقتصادی نه چون عاملی برای پسرقت دانشگاه که چون راهی برای پیشرفت و ارتقای دانشگاه باشند. آزادی آکادمیک استادان همانا آزادی استاد در آموزش و پژوهش بدون دخالت است؛ همین معنا برای دانشجویان نیز صادق است؛ آنها باید بتوانند علایق پژوهشی خود را دنبال کنند و در کارهای فردی و گروهی مطابق میل خود مشارکت داشته باشند. چنانچه بیان شد دانشجویان چنین تجاربی را نداشته‌اند و عقب‌ماندگی دانشگاه‌های ایران نسبت به جهان را به این دلیل می‌بینند که آزادی آکادمیک در سطوح و مراتب و برای افراد مختلف دانشگاه تأمین نیست؛ نتایج پژوهش در این مورد نیز با پژوهش محمدزاده (۱۴۰۰) همسو است. همچنین با پژوهش کریمیان و همکاران (۱۳۹۰) همخوانی دارد؛ آنان با بررسی نظام‌های آموزشی متمرکز و غیرمتمرکز دریافته‌اند که نظام آموزشی متمرکز به دلیل نظارت بر تمامی جزئیات، مانع بروز خلاقیت و ایده‌های نو می‌شود و این دخالت حتی در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زندگی شخصی دانشگاهیان نیز هست.

محدودیت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و حتی محدودیت‌های شخصی (مانند خودسانسوری و محافظه‌کاری) همواره در قلب مفهوم آزادی آکادمیک بوده‌اند. هرگاه سخن از آزادی آکادمیک به میان می‌آید، به تعبیر آیزایا برلین^۱، منظور همان آزادی پیراینده یا منفی است؛ یعنی نبود موانع و محدودیت‌ها. در همین راستا، اکرلیند و کیروز^۲ (۲۰۰۳) در تعریف آزادی آکادمیک بر همین نفی محدودیت‌ها تأکید کرده‌اند. آنچه شایان توجه است اینکه این بخش از مفهوم آزادی آکادمیک مورد تأکید همه دانشجویان بوده و همه به نوعی با آن دست‌وپنجه نرم کرده‌اند. در واقع، عرصه دانشگاهی برای دانشجویان به مثابه عرصه مبارزه برای کسب آزادی در کلاس درس، در رشته تحصیلی، در محیط عمومی دانشگاه و در نگارش پایان‌نامه/رساله و نوشتن مقاله و دیگر ساحت‌های دانشگاهی است.

۴- در پایان پژوهش حاضر، با گردآوری تجارب دانشجویان از چالش‌های مرتبط با آزادی آکادمیک، مقوله «راهبردهای فردی» استخراج شد. برای نمونه، یادگیری زبان انگلیسی به منظور گسترش ارتباطات و کاهش وابستگی به استادان، یا مذاکره برای انتخاب استاد راهنما از جمله این راهبردها بود. افزون بر این، دانشجویان بر راهبردهای جمعی و گروهی نیز تأکید داشتند و انجمن‌های صنفی و علمی را ابزاری مؤثر برای پاسداری از آزادی آکادمیک تلقی می‌کردند.

دانشگاه زمانی می‌تواند یک نهاد آزاد باشد که فضایی فارغ از سیاست‌های مداخله‌گر، ترس و خودسانسوری در

1. Isaiah Berlin

2. Akerlind & Kayrooz

تمامی عرصه‌های آموزشی و پژوهشی فراهم آورد؛ فضایی که در آن نگرانی از پیامدهای ایده‌های نو و کارآمد وجود نداشته باشد. گرچه بسیاری از دانشگاه‌ها برای دستیابی به اهداف خود در پی ارائه بهترین شیوه‌های راهبردی و مدیریتی هستند، اما این اهداف بدون نهادهای عرضه‌کننده خدمات خود را مسئول در برابر خواسته‌های اعضای خود می‌دانند و موظف هستند شیوه‌هایی را پیش بگیرند که مغایر این خواسته‌ها باشد به همین دلیل، سازمان‌ها با پیش گرفتن راهبردهای فردی و جمعی می‌کوشند هم به بقای خود یاری رسانند و هم خواسته‌های اعضا را اجابت کنند. این نتیجه با تحقیق خیاط مقدم و همکاران (۱۳۹۸) همسو است.

اگر از زبان پدیدارنگاری استفاده کنیم، می‌توان گفت افق بیرونی آزادی آکادمیک برای دانشجویان همان محدوده دانشگاه است. بر اساس الگوی فیش^۱ (۲۰۱۴)، دانشجویان نوعی نگاه صرفاً حرفه‌ای به کار خویش داشته‌اند و به الگوهای دیگری که دانشگاه را به مثابه عامل تغییر و تحول اجتماعی می‌نگرند، توجهی نشان نداده‌اند. آنچه مشهود است اینکه دانشجویان آزادی آکادمیک را در مرزهای دانشگاهی محصور کرده و در نتیجه نوعی نگاه محافظه‌کارانه به این مقوله دارند. نابسامانی اقتصادی و نیاز دانشجویان به مدرک برای جذب در بازار کار مهم‌ترین عامل پیدایش این نگرش است. همچنین همان‌گونه که محمدزاده و همکاران (۱۴۰۰) یادآور شده‌اند هژمونی ایدئولوژی بر نظام دانشگاهی و عرصه علمی از دیگر علل شکل‌گیری تدریجی این نگرش محافظه‌کارانه در دانشگاه‌هاست.

بی‌گمان تقویت انجمن‌های علمی دانشجویی و زنده گرداندن انجمن‌های صنفی دانشجویی می‌تواند همچون دمی مسیحایی بر پیکر آزادی آکادمیک دانشجویی عمل کند. برجسته‌سازی و پایبندی استادان به اخلاق آکادمیک، هرچند دشوار، راهی مؤثر برای رعایت آزادی آکادمیک دانشجویان است. دانشگاه می‌تواند فضایی نقادانه فراهم آورد که در آن استاد و دانشجو بتوانند بدون ترس از نمره یا پیامدهای دیگر، گفت‌وگویی واقعی داشته باشند. برای ارتقای سطح آموزشی و پژوهشی و رفاهی دانشگاه، بایستی این فرصت برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی ممکن باشد که امکان تجربه آزادانه در آموزش داشته باشند و استاد راهنما بر اساس علاقه‌مندی‌ها آنان را هدایت کند تا دانشجو بتواند در موضوع مورد علاقه خود کار کند. تحقق این امر مستلزم سیاست‌گذاری دقیق در سطح دانشگاه است. دانشگاه در سراسر جهان نهادی مورد توجه است. مسئولان دانشگاه در ایران می‌توانند با توان مدیریتی خود تا حدودی دست‌های بیرونی را از دخالت در دانشگاه کوتاه کنند. در صورت بروز مسائل حساسیت‌برانگیز، دانشگاه باید خود آن را پیگیری کند تا فضای دانشگاه آرامش و استقلال خود را حفظ نماید. در نهایت، دانشگاه به مثابه نهادی آکادمیک، موظف است خواسته‌های اعضای خود را برآورده کند تا بتواند مسیر پیشرفت را هموار کند.

1. Fish

دریافت تجارب دانشجویان درباره عوامل ضعف آزادی آکادمیک دانشجویی در چهار بخش آزادی گفتار و ارتباطات، عدالت آموزشی، فضای مداخله‌گرایانه، و نهادینه‌سازی در فضای آکادمیک ایران نشان می‌دهد که بهبود وضعیت آموزش عالی در ایران نیازمند اقدام‌های بنیادی و کارآمد است. این اقدام‌ها باید سطوح مختلف سیستم و مدیریت دانشگاهی، راهبردهای فردی و گروهی، و ابعاد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی داخل و خارج از دانشگاه را شامل شوند. در این صورت می‌توان امیدوار بود که در پرتو آزادی آکادمیک دانشجویی، دانشجویان بتوانند نقش‌های دانشگاهی خود را بیشتر و بهتر ایفا کنند و در رشد پایدار جامعه ایران سهمی مهم داشته باشند.

References

- Akerlind, G. S., Kayrooz, C. (2003). Understanding academic freedom: The views of social scientists. *Higher Education Research & Development*, 22(3), 323-344
- Altbach, P. G. (2001). Academic Freedom: International Realities and Challenges, *Higher Education*, 41(1/2), 205-219.
- Altbach, P. G. (2009). Peripheries and Centers: Research Universities in Developing Countries. *Higher Education management & Policy*, 19(2), 1- 27.
- Andresescu, L. (2009). Individual academic freedom and professional acts. *Educational Theory*, 59(5), 559-578.
- Arthur, J., & Bohin, K. E. (2005). *Citizenship and Higher Education: The Role of Universities in Communities and Society*. RoutledgeFalmer.
- Atkinson, R. C. (2004). *Academic freedom and the research university* (Research & Occasional Paper Series: CSHE.2.04, pp. 1-9). University of California, Berkeley: Center for Studies in Higher Education.
- Azhir, L., Bolandhematan, K., & Shirbagi, N. (2022). *Academic Alienation in the Absence of Educational Leadership: Exploring the Expectations and Criticisms of Humanities Professors at Kurdistan University*. Karafen National Skills University. [In Persian]
- Bahti, T. (1987). Histories of the University: Kant and Humboldt. *The Johns Hopkins University Press*, 437 - 460.
- Basheka, B. C. (2009). Management and Academic Freedom in Higher Educational Institutions: Implications for Quality Education in Uganda. *Quality in Higher Education*, 15(2).
- Bear, U. (2019). *What Snowflakes Get Right: free speech, truth, and equality on campus*. Oxford University Press.
- Birjandi**, P., Bagheri, M., & Maftoon, P. (2016). The Place of Critical Thinking in Iranian Educational System. *Linguistic research in foreign languages*.

- Bromwich, D. (2015). Academic freedom and its opponents. In A. Bilgrami, & J. R. Cole, *Who's afraid of academic freedom* (p. 27). New York: Columbia University.
- Brown, A. (2006). Academic Freedom in Western Europe: Right or Privilege? In E. Gerstmann & M. J. Streb (Eds.), *Academic Freedom at the Dawn of a New Century: How Terrorism, Overnments and Culture Wars Impact Free Speech* (pp. 115-129). California: Stanford University Press.
- Creswell, J. W. (2019) *Qualitative Inquiry and Research Design: Choosing among Five Approaches*. Translated by Danaifard and Kazemi. Tehran: Saffar. [In Persian]
- Dayhimpour, M., Dolati, H., & Motalebi, A. (2018). The Effect of Organizational Narrative on Institutionalizing Organizational Culture. Case study: Employees of Imam Khomeini University of Marine Sciences. *Military Management*, 18(71), 103-131. [In Persian]
- Dehghani**, Y., Marzoughi, R., Faghih, N., & Fouladchang, M. (2011). Studying the level of academic freedom of Shiraz University professors according to demographic variables. *Curriculum research*.
- Delavar, A. (2014). *Research Methodology in Psychology and Educational Sciences*. Tehran: Ravan. [In Persian]
- Eisenberg, R. S. (1987). Academic freedom and academic values in sponsored research. *Texas Law Review*, 66, 1363-1404.
- Enayat, H. (1967). Academic Freedom. *Negin*. [In Persian]
- Finn, S. (2020). Academic freedom and the choice of teaching methods. *Teaching in Higher Education*, 25(1), 116-123.
- Fish, S. E. (2014). *Versions of Academic Freedom: From Professionalism to Revolution*. Chicago, IL:University of Chicago Press
- Fuchs, R. F. (1963). Academic freedom: Its basic philosophy, function, and history. *Law & Contemporary Problems*, 28(3), 431-446.
- Ghaderi Moghadam, M., Nozari, M., & Shojaeian, M. (2021). A study of academic freedom in the contemporary West and a critique of its foundations from the perspective of contemporary Muslim thinkers. *Islamic Education*, 16(35), 91-111. doi:10.30471/edu.2020.5060.1980 [In Persian]
- Gibbs, P. (2019). Why academics should have a duty of truth telling in an epoch of post-truth? *Higher Education*.
- Gibbs, P. (2019). Why academics should have a duty of truth telling in an epoch of post-

- truth? *Higher Education*, 77(6), 1027–1034. <https://doi.org/10.1007/s10734-018-0322-6>
- Hofstetter, M. J. (2001). *The Romantic Idea of a University: England and Germany*. The University of Chicago Press, 230-232.
- Hudson, C., Williams, J. (2016). *Why academic freedom matters: a response to current challenges*. Civitas.
- Jackson, L. (2007). The individualist? The autonomy of reason in Kant's philosophy and educational views. *Studies in Philosophy & Education*, 26(2), 95–109. <https://doi.org/10.1007/s11217-007-9027-5>
- Jackson, L. (2015). Challenges to the global concept of student centered learning with special reference to the United Arab Emirates: 'Never fail a Nahayan'. *Educational Philosophy & Theory*, 47(8), 760–774. <https://doi.org/10.1080/00131857.2014.880755>
- Jackson, L. (2020). Academic freedom of students. *Educational Philosophy & Theory*, 53(11), 1108–1115. <https://doi.org/10.1080/00131857.2020.1773798>
- Jafarzadeh, A., Soltani, A., & Daneshmand, B. (2021). Faculty Members' Lived Experience of Faculty-Student Interaction in the Academic Environments. *Sociology of Education*, 7(1), 193-206. [In Persian]
- Jalali, R. (2012). Sampling in qualitative research. *Qualitative Research in Health Sciences*, 1(1), 9–20. [In Persian]
- Jaspers, K. (1959). *The Idea of the University*. Boston: Beacon press Beacon Hill Boston.
- Jones, H. M. (1960). *The American Concept of Academic Freedom*. American Association of University Professors.
- Karimian, Z., Kojouri, J., Lotfi, F., & Amini, M. (2012). Higher Education Administration and Accountability; the Necessity of Autonomy and Academic Freedom from Faculties' Viewpoint. *Iranian Journal of Education in Medical Sciences*, 11(8), 855-863. [In Persian]
- Karran, T. (2007). Academic freedom in Europe: A preliminary comparative analysis. *Higher Education Policy*, 20, 289-313.
- Karran, T. (2009). Academic freedom: In justification of a universal ideal. *Studies in Higher Education*, 34(3), 263–283. <https://doi.org/10.1080/03075070902772095>
- Kawsari, M., & Khoshnam, M. (2017). Phenomenological analysis of a student's subjective meaning of university. *Research in Education Systems*, 11(38), 171–193. <https://doi.org/10.22034/jiera.2017.59732> [In Persian]
- Khayat Moghadam, S., Yousefi, M., & Habibi, N. (2019). The relationship between

- institutionalization of ethics and managerial accountability. *Ethics in Science & Technology*, 14(5). [In Persian]
- Khorsand, S., Janalizadeh Choobbasti, H., & Razeghi, N. (2022). Scientific Freedom in the Academic Environment: Challenges, Strategies, and Consequences. *Strategic Research on Social Issues*, 11(1), 1-32. doi: 10.22108/srspi.2022.132471.1773 [In Persian]
- Loghman Nia, M., Khamesan, A., Ayati, M., & Khalifeh, M. (2011). A study on the identification of components of national identity in curriculum based on grounded. *Educational Innovations*, 10(40), 33-56. [In Persian]
- Macfarlane, B. (2012). Re-framing student academic freedom: A capability perspective. *Higher Education*, 64(3), 353–367. <https://doi.org/10.1007/s10734-011-9504-2>
- Macfarlane, B. (2017). *Freedom to Learn: The threat to student academic freedom and why it needs to be reclaimed*. Routledge.
- Macfarlane, B. (2024). Why choice of teaching method is essential to academic freedom: A dialogue with Finn. *Teaching in Higher Education*, 29(2), 536–548. <https://doi.org/10.1080/13562517.2021.2007473>
- Maxwell, B., & Reichenbach, R. (2006). Educating moral emotions: a praxiological analysis. *Studies in Philosophy and Education*.
- Maxwell, B., & Reichenbach, R. (2006). Educating moral emotions: A praxiological analysis. *Studies in Philosophy and Education*, 25(3), 233–249. <https://doi.org/10.1007/s11217-006-0005-y>
- Mohammadtaheri, M. (2016). Society's enjoyment of freedom of expression and its effects on promoting social progress. *9th National Congress of Progressive Pioneers*. [In Persian]
- Mohammadzadeh, M., Shirbagi, N., & Bolandhematan, K. (2021). Academic Freedom: A Qualitative Analysis of Representing the Experiences of Science Stakeholders in Iran. *Science & Technology Policy*, 2(50), 35-50. [In Persian]
- Monypenny, P. (1963). Toward a standard for student academic freedom. *Law & Contemporary Problems*, 28(3), 438–450. <https://doi.org/10.2307/1190676>
- Naghizadeh, A. (2019). *Ask the University* [Recorded by Iranian Sociology Department]. Tehran, Tehran, Iran. [In Persian]
- Oleksiyenko, A. V., & Jackson, L. (2020). Freedom of speech, freedom to teach, freedom to learn: The crisis of higher education in the post truth era. *Educational Philosophy & Theory*, 53(11). <https://doi.org/10.1080/00131857.2020.1773800>

- Owusu-Ansah, C. (2015). Academic Freedom: Its Relevance and Challenges for Public Universities in Ghana Today. *Journal of Education and Practice*, 6(5).
- Pavela, G. (2008). Academic freedom for students has ancient roots. *Florida Philosophical Review*, 8(2), 1–12.
- Peters, M. A., Rider, S., Hyvönen, M., & Besley, T. (2019). *Post-Truth, Fake News: Viral Modernity and Higher Education*. Springer.
- Revers, M., & Traunmüller, R. (2020). Is free speech in danger on university campus? Some preliminary evidence from a most likely case. *Kölner Zeitschrift für Soziologie und Sozialpsychologie*, 72(3), 471–497. <https://doi.org/10.1007/s11577-020-00713-z>
- Rieu, A. M. (2021). Academic freedom, autonomy of universities: Turning point in the evolution of industrial societies. *Open Edition Journals*, 16(1), 1–15. <https://doi.org/10.4000/educationdidactique.6237>
- Rochford, F. (2003). Academic freedom as insubordination: The legalisation of the academy. *Education & the Law*, 15(4), 249–262. <https://doi.org/10.1080/0953996032000123183>
- Salimi, J., & Abdi, A. (2018). Studying the ideas and perceptions of faculty members regarding the concept of academic freedom. *Iranian Higher Education*. [In Persian]
- Schrecker, E. (2010). *The Lost Soul of Higher Education: Corporatization, the Assault on Academic Freedom, and the End of the American University*. The New Press.
- Scott, J. W. (2015). Knowledge, Power, and Academic Freedom. In A. Bilgrami, & J. R. Cole, *Who's afraid of academic freedom* (p. 57). New York: Columbia University.
- Shils, E. (2012). Academic Freedom. In P. G. Altbach, *International higher education: An Encyclopedia Volume I* (pp. 1-22). Routledge.
- Stone, G. R. (2015). A brief history of academic freedom. In A. Bilgrami, & J. R. Cole, *Who's afraid academic freedom?* (pp. 2-3). New York: Columbia University.
- Stowell, M. (2004). Equity, justice and standards: assessment decision making in higher education. *Assessment & Evaluation in Higher Education*, 29(4), 495-510.
- Suissa, J., & Sullivan, A. (2022). How can universities promote academic freedom? Insights from the front line of the gender wars. *Journal of Philosophy of Education*, 56(5), 761–779. <https://doi.org/10.1093/jopedu/qfac029>
- Sursock, A., & Smidt, H. (2010). *Trends 2010: A decade of change in European Higher Education*. European University Association.
- UNESCO Institute for Statistics. (2008). *Global education digest 2008: Comparing education*

- statistics across the world*. Montreal, Canada: UNESCO Institute for Statistics.
- University and College Union. (2022). *UCU statement on academic freedom*. Retrieved from Academic Freedom: <https://www.ucu.org.uk/academicfreedom>
- University of Bologna. (2024). *Our history: Nine centuries of history*. University of Bologna. <https://www.unibo.it/en/university/who-we-are/our-history>
- University of Cambridge. (2023). *History*. <https://www.cam.ac.uk>
- University of Oxford. (2023). *History*. <https://www.ox.ac.uk/>
- Zahedi, M., & Sharifzadeh, S. (2021). Freedom of Expression and Idea-Expression Dichotomy. *Public Law Research*, 23(71), 95-127. <https://doi.org/10.22054/qjpl.2021.56622.2518> [In Persian]
- Zimmer, R. J. (2015). What is Academic Freedom for? In A. Bilgrami, & J. R. Cole, *Who's afraid of academic freedom?* (p. 240). New York: Colombia University.

